

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیة (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
فام دبیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاغالی
هیراز روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روصیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك
(قیمت يك نسخه)
در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری
دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

سه شنبه ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۹ ابانماه جلالی ۱۲۹ و ۱۲۷ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی

(مطهرات چند است؟)

مطهرات بسیار است و بمرور زمان زیاد تر و بیشتر میشود اینک چند فقره از آنها را محض مزید بصیرت محتاطین بمرس می‌رسانیم
(اول طهران) چنانکه دانشمندان عصر جدید بداند زامل و تدقیق بسیار چنین فرموده‌اند: هر آن پاكدامن نيك نهاد كه بواسطه غلبه قوت طمع و محبت اذخار مال و منال دریگی از ولایات و ایالات ایران مصدر انواع اعمال قبیحه و افسام اعمال شنیعه گردیده فی المثل یکصد نفر را بقتل رسانیده و اموال مردم را تاراج فرموده و دختران را باسارت داده و زنان را بیوه و اطفال را یتیم کرده و آتش در خانه نمان رعیت زده و املاك نامرا خراب نموده و سرحدی را از دست داده و افراد ملت ایرنا بقبیعت همسایگان مجبور ساخته و تذکره قبیعت آنها را امضاء فرموده و در حمام توسط گماشته والا تیار مهر مبارک را زیر و زبور فرطاس نموده و از این رهگذر گرد کثافت یا خدای نخواستہ خبیثت و نجاست بدامن کیربایش نشسته و خاطر برخی فضولان از حرکات ایشان مترجر و متفرد شده و در مجامع بولبو سان فرنگی مشرب زبان تعرض و جسارت نسبت بدان بزرگ کشوده از مراکز رسمیه دفع آسارت و رفع اذیت او را خواسته باعند و این مشت رجاله که باسم مشروطیت پیرامون ساحت بزرگان جسارت می‌ورزند از هرجانب فریاد کرده و نجاست و فحاشی ان بکانه دوران را وسیله هتک حرمت و سلب شرف و اعتبارش ساخته باشند اگر خواهد خود را پاك و مطهر سازد و از لوث این

گونه نجاست دامن عصمت را پاك نماید هر آینه بایستی فوراً شد رحال فرموده با جناح استعجال و شتاب بسمت دارالخلاصه باهره بشتابد و هر آنچه تواند بشتاب برقی و باد خود را بطهران رساند که خزانه است مسا لامال آب صافی روان طاهر مطهر که بدون گرفتن غسله و انفصال تمام اعیان خبیثه را زائل مینماید پس بمجرد آنکه قدم میمنت لزومش بدروازه طهران رسیده و قدم اول راه را در داخله شهر نهاد می توانی و درنگ کنسها ان کبیره و صغیره اش چون برك خزان فرو ریزد طیب و طاهر چون طفل نوزاد وارد طهران شود لبته خنق نیز چشم کشوده و عقل سنجیده دارند همیشه او را بدان حال بینند بر عصمتش گواهی دهند و بر آت ذمه اشرا بهزار سوگند و پیمان و قسم مؤکد و مسلح سازند مصوم و بری از کناهی گویند و سخنان پیشین و شکایات دیرین را فرا موش نمایند لب جز بتمجیدش نکشند و زبان جز شحیش باز نکنند وجودش آیت رحمت یزدان و قرة العین وطن خواهان و ملت پرستان شود چنانکه وقایع عذیده که از شش ماه قبل تا کنون واقع شده برای اثبات مطهریت این شهر شهیر و این فضیلت کامله کافی تواند بود بلی در بین اینهمه اشخاص تازه وارد تنها بکنفر متولی باشی بود که محض ورودش در این خزانه پر آب کفایت نکرد و انفصاله غسله لازم بود و بحمد الله چون از خزانه پای برون نهاد انفصال غسله بعمل آمد و کاملاً پاك و مطهر گردید و کر نه سایرین حتی جهان شاه خان را نیز آب کر طهران چنان تطهیر نمود که بعد از بیست روز ورود رخصت مراجعت مرحمت و اذن قتل و هارت

مجدد پدیشان داده شد لکن يك مسئله غامضی كه افكار و دماغهای دانشمندان را مصروف حل خود ساخته آستكه آیا طهران بنفشه مطهر است و بتهائی برای پاك ساختن كافی است یا ادویه و همچونهای دیگر نیز لازم دارد و آنچه بمد از تجارب زیاد و تجزیه شیمیائی و امتحانات علمی ثابت شده آستكه طهران حكم آب خزانه داره و سایر معاجین چون صابون و سدر است كه بر حسن و رونق میافزاید و جسم را صاف و براق میازد و بلاوه پاكی لطیف و ظریف میکند پس ای برادر اگر میل داری تنها از نجاست خارج شوی بطهران ورود کن و چون خواسته باشی بلاوه طهارت مصدر خدمت و مرجع احكام شوی قدری سوقات و تفایس و ارفغان بهمراه خود بیار و باملش قسمت کن و توزیع کن كه بی درنگ لایق هر گونه شغل خطیر و منصب رفیع خواهی گردید و زندها كه دست تسی در اینجا ورود کنی كه در حكم حمام رفتن بدون حنا و صابون است حال كه بخدمت خلوص بحمام ورود كردی عرق نمودن و سروكسه كردن لارم و صابون عطر استعمال كردن واجب است —

نیز بگیر و حرز خود ساز — انوقت است كه سیئات محو میشود و انجمن باید يك عضو محترم خود را حفظ كند —

اما اگر از كثرت سیئات و ظهور خطیئات در هیچ انجمن راه ندهند و دست را بر سیئات زنند در خانه برو و چند روزه دعوت باقران و امثال و دوستان خود بنویس و چون حاضر شدند بگوی كه غرض از این اجتماع تشكيل يك انجمن است اینش نظامنامه و آئین وجوه اعانه و در این نقطه اش ككاشانه اسمی از آسمان خیال نازل كن و بروی انجمن بنه دیگر حرف تمام است کیست كه جرئت كند بساحت مقدس نسبتی ناشایسته دهد و كلمه خلاف بر زبان جاری كند ؟ !

(سیم یون) است اثر این مطهر باندازه است كه از اقصی بلاد بانجوه كهر بائی رسیده و بی تاویل پاك میسازد از پاك گذشته ذات مقدس و آستان ملك پاسبان و حضرت اعلى و غیره و غیره نمود. بهر مرتبه و مقامی هر كس را میرساند چنانكه شاعر تازیان در وصفش گفته :

(لولا النقی لقات جلت قدرته)

(كاینه تازه)

ا گرچه تشكيل كاینه جدید مدتی صورت وقوع یافته و از موقع تحسین و تقبیح گذشته لکن نظر بوظیفه روزنامه یومیه اظهار رای كردن و عقیده خود را در اینخصوص ظاهر نمودن ما را لازم است مخصوص از برای ولایات سایر كه از مركز دورو چشم شان بطرف اورق ما دوخته و متوجه است :

كاینه مزبور از كاینه های سابق بهتر و محاسنش بنظر ما بیشتر است اولاین كاینه علمی است یعنی اعضاء كاینه باستانهای یكنفر آصف الدوله همگی درس خوانده و باوضاع عالم آشنا و ترتیب وزارتخانه های دول متمدنه را مطالعه و بفتوی پرنس ملكم خان علم وزارت را تحصیل کرده و بمقل فطری و تجربیات ناقص اكتفا ننموده اند رئیس كاینه ناصر الملك است كه پیره زنهای دهات ایران هم بحال و دانش و تحصیل آگاهند و عارف و عامی بر لیافت و استحقاقش شاهد و گواه و باتفاق عقلاء و ارباب دانش سر آمد وزراء و دانشمندان مملكت است در دارالفنون انكلیس تحصیل كرده و بالورد كرزون همقدم و همدرس بود : مشیر الدوله هم حالش معلوم است و دور و تردیدك را مفهوم سایرین نیز قس علی ذلك و واضح است كه تا وزرا ما عالم و كار دان نباشند و بترتیب علمی مملكت را اداره نكنند ممكن نیست رنگ و روشی در كارها پیدا شود و نواقص رفع كردد — تا نایا این كاینه

(دویم از مطهرات انجمن) است و این مطهر تازه كه نتیجه افكار و احساسات عقلاء زیرك تیز هوش است فوق الحد مؤثر و بی اندازه پاك كننده است پس چون در مشاغل دولتی مدتی صرفی وقت نمودی و آنچه در قوه و طاقبت بشری است خیانت كردی و مال دولت و ملت را بر باد دادی و در بانك ذخیره حسابی اندوختی و چندین مزارع و قریه خریدی و آتش در عالیه زدی و هزار فرمان جعلی ساختی و از صحنه و دفتر رد نمودی و در شكه و كلسكه و بیل و پارك و صد هزار لوازم تیش و تكیف فراهم كردی و از اطراف املاك همسایگان را بقتب متصرف هدی و هزار نفر عارض و متمدی پیدا نمودی و عرصه را بر خود تنك دیدی و سر تا پا را عرق هر قسم قارورات ساختی و كار را مشكل كردی هماندم بیدغدغه و اندیشه بفرست یدفراز رندان كار دیده و سرد و گرم روزگار چشیده و سری در سرها داخل کرده و راه علاج دانسته را باحضار كن و بيد از خواندن يك ورد مخفی در كودش اظهار میل به ضویت يك انجمن را بدو كرده دیگر كارت نباشد و تشویب و اضطراب بخاطرت خطور نماید كه فردا صبح كار درست میشود

فردا است كه روزه دعوت میرسد بشتاب بانجمن و كلمات چند در حسن نیات و اعتقادات خود برهم بیانی و نام خویش را در دفتر انجمن ثبت كن و يك بلیط عضویت

محبوب القلوب ملت است تاکنون این هش
نفر جایزاً نچاییده و ظلم و تعدی باحدی نکرده اند
حکومت جایزه ننموده و خاطر مردم را از خود نرنجانیده
و دامان خود را باوث نهمت آلوده نکرده اند در همه
ایران صنایع الدوله عارض ندارد و مؤمن الملک با کسی
نزاع ملکی و تعدی نداشته است مردم بر امانت و
دیانت آنها اتفاق دارند و واقعا درست کار می شمارند و
بدیسی است که این امر در مجاری امور اثر کلی دارد
و در نفوس موقمی دیگر پیدا میکند
مکرر گفته و نوشته ایم که وزراء نخبه اهل مملکت
باید باشند یعنی آنها نیک علم و دیانت و درستی و غیرشان از همه
کس زیاد تر و اطمینان خلق بدانها بیشتر است باید
با انتخاب خود ملت و شخص سلطان بوزارت منتصب
شوند تا عامه از آنان تمکین داشته و بجان و دل بدانها
خدمت کنند و لا وزیر زوری در ملک قانونی جز
خسران بار نیارد و به قید ما غالب این اعضاء
بدین صفت آراسته اند لذا میتوان به پیشرفت آنها
امید واری حاصل کرد — ثلثا مجلس و وکلا
با این کابینه مساعد و همراهند زیرا که در حقیقت این
کابینه را خود مجلس تشکیل داده و اعیان حضرت اعضاء فرمودند
بهمان قسم که مکرر گفته ایم که وزراء باید از وکلاء انتخاب
شوند عمل شده است حالا ای عقاید ما درست است
یا غلط؟ آتیہ انرا کشف خواهد نمود و در نمرات بعد
شرحی از وظائف وزراء محض سرمشق مینویسیم اگر
بخوانند و عمل کنند —

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(شنبه ۲۵ رمضان)

عریضه متظلمین ژاندار ما قرائت شد که حقوق
و شئون نظامی صلب نمیشود مگر بموجب قانون آیا
بچه قانون لوا السلطنه را از ریاست ژاندارم خلع و
سهراب خان را که خیانت او ثابت است نصب نمودند در
صورتیکه حقوق سیصد و شصت و پنجاه نفر ژاندارم را
گرفته و آنچه سان داده ۱۷۳۶ فر بوده است استدعا که
احقاق حق بعمل آید و ریاست از این شخص خلع
شود اظهار شد که سهراب خان در مقابل این اظهاراتی
کرده گفته شد که باید رجوع بوزارت جنگ شود بعضی
سهراب خان را لایق و محق دانستند بعضی او را خائن
همراه حق را با طرف مقابل دانستند بعد از مذاکرات
قرار شد که رجوع بوزارت داخله شود و بعدها هر کس
تظلمی دارد تا از وزارت مخانها و ادارات سر نخورده و
مابوس نشده حق ندارد بمجلس رجوع کند

بعضی از وکلا اظهار داشتند که خوبست بوزیر
امور خارجه اخطار شود در باب جواب مرسله سفارت
انگیس و وکالت ممتاز السلطنه در مجلس سکنه لاهه
توضیحات بدهند گفته شد که اخطار میشود تا مسبق
بوده جواب بدهند

اظهار شد که برای پیشرفت امور و تسهیل کارها
باید چند کمسیون از وکلا برای چند وزارت خانه تعیین شوند
که بعد از مذاکره و مشاوره در امور نتایج آنها بمجلس
بیاید تا همه وکلا مسبق بجزریان کلیه امور باشند
(کمسیون بری وزارت عدلیه) (ویکی برای وزارت
امور خارجه) (یکی برای وزارت داخله) (یکی هم
برای مالیه) چون کمسیون مالیه هست آتیہ دیگر باید
تشکیل شود قرار شد که اسامی اشخاصی را که صلاحیت
برای هر يك دارند بنویسند بعد از آن میان آنها انتخاب
کنند گفته شد که وزیر نظام بمجلس نوشته اند که بنا بود
بریاست قشون خراسان بروم مجلس رای نداد اگر
چه نمیروم ولی بچه قانون گفتند ربطی بمجلس نداشت
انجمن خراسانیان اظهار کردند بمجلس که بچه قانون
و باجزیه می میرود لذا مجلس هم گفتند باید تحقیق
شود که وزیر جنگ اجازه داده است یا نه گفته شد که
باید رجوع بوزارت جنگ شود

کاغذی را که حکومت شهر در باب نزاع مدرسه
سپهسالار بوزارت داخله نوشته بود که البته تفصیل را
مبوقید و عرض کرده اند و حضوراً هم خواهم عرض
کرد قرائت شد گفته شد که این مجمل است باید از
خودش توضیح خواست

در خصوص انتخاب وکلا اظهار شد گفته شد که
باید زود انتخاب شوند و آنها را که مجلس باید انتخاب
کند همین چند روز اقدام میشود
سؤال از رفتن جناب محتشم السلطنه شد گفته شد
که تا پس فردا خواهند رفت
تلگرافی از حضرت حجة الاسلام آقای آخوند
ملا محمد کاظم خراسانی مدظله العالی قرائت شد در
خصوص مطالباتی که جمعی از مرحوم امین حضرت
داشتند توصیه بالنسبه باهل و عیالی شده است که از
قرار مسموع ریختند بخانه او و خواستند اموال او را
باعدای طلب ببرند هر کس مدعی است بقانون شرع ثابت
کند و بگیرد حفظ حقوق و شئون اولاد و وراث او
پشود گفته شد که بخانه او فریختند تظلمی کرده بودند
رجوع بدیوانخانه عدلیه شد که رسیدگی شود قرار شد
جواب حضرت حجة الاسلام بهمین نحو داده شود آن
ماده از قانون وزارت داخله در خصوص استعمال آلات

حرب در مقام فرار جانی و مقصر که مانده بود قرائت شد و بعد از مذاکرات زیاد بی نتیجه ماند محتاج بدقت و مذاکره ثانوی شد (مجلس ختم شد)

تلاکرافات خارجه

از لندن نویسنده امریکائی که در پترز برگ توقیف شده پس از تحقیقات رهائی داده شدند مورلی وزیر هندوستان در خصوص اغتشاش هندوستان نطق مفصلی کرده و در خاتمه آن چنین گفته است که در نظر امخاصی که مسئول نظم هندوستان اند وضع حالیه چندان خطرناک نیست ولی از آنجا که فرقه تندرو آشوب طلب همیشه در کارند و اگر فرق مدارا پرست در این مورد با دولت همراهی نکنند کمال سفاکیت است از حال تا چندین سال بعد مسئله هند مهمترین مسائل سیاست انگیس خواهد بود نمیدانیم که واقعا اهل هند راغب بیکانگی و اتحاد جدیدی شدند که از قوه متصوره خارج بود و باینکه این اغتشاش فقط سطحی و بی ثبات است شکایت و عدم رضایت اهالی هند بقدری مبهم است که نمی توان تحقیقا معلوم نمود که ناشی از چیست عجیب نیست که طبقه تربیت شده اهالی هند سرمست خیال و لذت آن آزادی اند که مصنفین معروف مایببارات شیرین تشریح نموده اند و لکن غافل از آنند که بر وفق گفتار همان مصنفین باید چه در جانی طی کرد تالیقات دارائی آزادی را تحصیل نمایند بقیده من هر آنکس که بتواند میباید از اهل تربیت هند بخواهد و انهارا وادار نمایند که سایر طبقات ناس را از حیث هم تربیت و ترقی بدهند

اما در خصوص اصلاحات هند ترتیبانی داده شده و در اینکه ممالک هندوستان را که مسهل اند و بالانکه در نجات حمایت انگیس اند بحال خود واگذاریم عین صواب بوده و نتایج مهمه خواهد داشت آنچه معلوم من شده اصل ماده این اغتشاش در عدم رضایت و تنفر از وضع حکومت و پلیکی مانیت بلکه تخلف و تنفر از ریاست و برتری تراد مابری تراد هند است مقصود ما از تغییر و اصلاح در اساس مجلس حکومتی هندوستان آنست که بشام اهل هندوستان معلوم نماییم که در نظر دولت انگیس اهل هند خود کاملا لایق و شایسته دخالت و شراکت در ان مجلس و امور مملکتی میباشد اما در خصوص اشکالات مترایده که در جلو گیری از حفظ و طاعون در پیش است هیچ زمان حکومت هندوستان بایندرجه حاضر و تنهای مقابلی با حفظ و غلا رانداشته رموز و

تکات دفع مرض طاعون را بدست آورده و در اغلب نقاط هندوستان وسایل لازمه حفظ الصحه و مساوت قرارا فراهم کرده است بالاخره بقیده من بطور یطر فانه باید مدار حکومت و ادارات هندوستان را بانهایت استقامت رای و صبوری مرتب نمود اگر چه ما خود کمره این ترتیبانرا در ایام حیات خود نخواهیم چید ولی اساس انرا گذاشته و تخمی میکاریم که بعدها بدروند

روزنامه طیمس وروز نامجات دیگر تحسینات و تمجیدات از استقامت و ثبات رای مورلی مینمایند و بیانات محزی الیه را واهی کافی میدانند چه در ضمن آن بیانات توضیح مینمایند خبط و خطائی را که از تطبیق اهل کانادا با اهل هندوستان ناشی میشود

تلاکرافات مخصوص اداره از خوی بطهران

خدمت جناب مستطاب آقای آقا میرزا سید حسن مدیر محترم جبل المتین یومیه دام اقباله بعد از ادعیه خالصانه مبادرت میشرد مقاله که در باب شکست یافتن اردوی سدگن آباد و قتل و غارت اهالی خوی مرقوم و در نمره ۱۳۲ روزنامه مقدس درج فرموده بودند زیارت چون اسناد شکست اردو و بعضی اتفاقات بجناب خدا دادخان سرتیب فوج داده مشار الیه را متهم داشته بودند محض آنکه خاطر عالی مستحضر شده و در روز نامه درج فرموده رفع تهمت از مشارالیه فرماید عرض میشود (بار غمی که خاطر ما بر گرفته بود)

(عیسی دمی خدا بفرستاد بر گرفت)
بحمد الله تعالی ورود جناب مستطاب اجل عالی آقای آقا میرزا آقا اصفهانی دام اقباله بخوی و اقدامات و اقبه و کابیه و مجاهدات معزی الیه عموم اهالی به شموله طلبان و مظلومین اینولایترا تشفی خاطر حاصل و الحال کمال امنیت و انتظام در شهر و طرازی بوده آمایش تمام حاصل میباشد منهو بینرا ترضیه بعمل آورده بمحل های خودشان مراجعت داده آسوده نموده اسباب سلم و صفا فراهم آور دند جناب خدا داد خان هم بجهت متهم شده و ساختشان میرامت تصدیق و تکذیب آن فقرات در خدمت جناب مستطاب اجل آقای آقا میرزا آقا دام اقباله الهالی امت انشاء الله بعد از ورود بدار الشورای گیری مطالب لازمه را بانمای دولت و ملت حالی داشته اسباب استراحت این ولایترا فراهم خواهند داشت (انجمن خوی)

(حسن الحسینی الکاشانی)